

بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان

استان لرستان

دکتر جعفر سخاوت

مطالعه عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان، در سال ۱۳۸۰، در سه شهر خرم‌آباد، بروجرد و نورآباد آغاز شد. به این منظور، از بین دانش‌آموزان دختر و پسر رشته‌های مختلف تحصیلی، ۹۷۵ نفر از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این مطالعه، رابطه ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان با برخی ویژگی‌های فردی آنان، نظیر وضعیت تحصیلی، جنسیت و برخی ویژگی‌های خانواده دانش‌آموزان و خود پنداره دانش‌آموز، میزان پیوستگی با والدین، تصویر از خود، آرمان شغلی، پنداشت از کفایت درآمد خانواده، پنداشت از نظم مدرسه، بررسی شده است. برای انتخاب متغیرها، بیشتر از نظریه‌های صاحب‌نظران نظارت اجتماعی، مانند گات فردسون و تراویس هیرشی، استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که ناهنجاری‌های دانش‌آموزان، در مدرسه و بیرون از مدرسه، ریشه‌های مشترکی دارند و نباید آن‌ها را دو پدیده جدا از هم دانست. با توجه به معنی‌دار بودن رابطه ناهنجاری‌های رفتاری با متغیرهای مذکور، یافته‌ها حاکی از آن است که داشتن روابط مطلوب در محیط خانواده و مدرسه، پنداشت از خود دانش‌آموز، پنداشت از درآمد خانواده، شغل پدر، پنداشت از نظم مدرسه، توفیق در کار مدرسه و جنسیت به عنوان عوامل تأثیرگذار در ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه و برخی متغیرها مانند توفیق تحصیلی، جنسیت و پیوند با مادر در ناهنجاری‌های رفتاری در بیرون مدرسه اهمیت بیشتری دارند.

طرح مسئله^۱

مقامات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور همواره بر مطالعه رفتار جوانان تأکید داشته‌اند. تأسیس شورای ملی جوانان، سازمان تربیت بدنی، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت جوانان، تأکید بر اشتغال جوانان و بسیاری از برنامه‌های دیگر نشان‌دهنده اهمیت مطالعه درباره جوانان است.

استان لرستان، مانند دیگر نقاط ایران، نگران وضع جوانان، یعنی سازندگان نسل فردا است. استانداری برای گسترش زیربنای لازم به منظور جذب نیروهای جوان بومی در پی یافتن راهکارهاست و، به همین دلیل، سیاست‌هایی را به صورت برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت تدوین نموده است.

میزان بودجه‌ای که هر ساله آموزش و پرورش استان صرف آموزش و پرورش نسل جوان می‌کند رو به افزایش است، به این امید که نسل جوان بتواند برنامه‌های توسعه را به عهده گیرد و در سازندگی آینده استان نقش مؤثری ایفا کند.

برنامه‌ریزی‌های توسعه، به بیان کارشناسان، بر دو محور اساسی استوار است: پرورش نیروی انسانی سالم و کارآمد و نیز جذب سرمایه در حوزه تولید، به نحوی که با استعدادهای طبیعی و جغرافیایی منطقه متناسب باشد و بازدهی مطلوبی به بار آورد. بنابراین، توجه به سلامت و کارآمدی نسل جوان، در مقام نیروی تولید، و کسب مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار از جمله سیاست‌های توسعه در استان است.

یکی از نکات مورد توجه در این پژوهش این بوده که چرا انگیزه جوانان در کسب مدارج تحصیلی و رعایت هنجارهای اجتماعی کاهش یافته است و برخی از آن‌ها نیز به رعایت هنجارهای اجتماعی بی‌توجه شده‌اند.

مطالعه در نابهنجاری‌های رفتاری از لحاظ موضوع چندان آسان نیست و، برخلاف تصور

۱. طرح تحقیق «عوامل مؤثر در نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان»، با پیشنهاد انجمن جامعه‌شناسی ایران و تصویب طرح توسط معاونت اجتماعی استان لرستان در زمستان ۱۳۸۰ آغاز شد و در بهار ۱۳۸۱ به اتمام رسید.

بدین‌وسیله از استانداران محترم وقت استان لرستان آقایان رسولی و عابدی، معاون امور اجتماعی استان، آقای اسد عبداللهی و مدیرکل آموزش و پرورش استان، آقای اسفندیارپور و مدیران آموزش و پرورش شهرهای خرم‌آباد، بروجرد و نورآباد و مدیران دبیرستان‌های مورد مطالعه و همکاران طرح، آقای دکتر محمد عبداللهی، خانم ملیحه شبانی، آقای علی خراسانی‌زاده، آقای سیدرحمت‌الله سهرابی، آقایان موسیوند و فرهادپور و ابراهیم موسوی‌نژاد به پاس همکاری صمیمانه‌شان در اجرای این طرح صمیمانه تشکر می‌کنیم.

بسیاری از افراد، کار در این حوزه پیچیده است. این مطالعه، به‌ویژه، از این نظر اهمیت دارد که در یکی از استان‌های دور از پایتخت انجام می‌گیرد و مقام‌های استان برای تحقق برنامه‌ریزی توسعه چشم امید به نسل جوان دوخته‌اند.

تصور همگانی آن است که انگیزه جوانان برای کسب دانش و ادامه تحصیل امری بدیهی است و توفیق یا شکست آنان را نیز امری فردی و شخصی تصور می‌کنند و چنین می‌پندارند که با نظارت بر خانواده می‌توانند از جرم و رفتارهای ناهنجار جوانان جلوگیری کنند، غافل از آنکه انگیزه جوانان، برای رعایت هنجارهای اجتماعی، مانند همه افراد خانواده ریشه در ساخت اجتماعی دارد. رفتار جوانان و اعضای خانواده، هر دو، از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. امروزه، تعداد کسانی که با نظر بالا موافق‌اند انگشت شمار است. به همین دلیل، این عده تاکنون نتوانسته‌اند در سیاست‌های عمومی دولت تأثیر بگذارند. ادامه تحقیقات و مطالعات در این زمینه ممکن است توجه به این حوزه را بیشتر کند و راه را برای کاهش آمار جرم هموار سازد. بنابراین، ضرورت و اهمیت موضوع مطالعه را می‌توان با توجه به دو بعد دریافت: بعد نظری یا شناخت بهتر مسئله و بُعد عملی، یعنی برنامه‌ریزی برای پیشگیری و کاهش ناهنجاری‌ها و تربیت نوجوانان و جوانان برای توسعه این استان.

سؤالی که در این پژوهش مورد نظر است شناخت عوامل نظارت‌کننده درونی و بیرونی بر رفتار جوانان در دوره‌های سنی خاص است. چگونگی رفتار جوانان را در محیط مدرسه و بیرون از مدرسه بررسی کرده‌ایم و کوشیده‌ایم تا اثر برخی متغیرهای مستقل، مانند ویژگی‌های فردی و خانوادگی و پنداره‌های جوانان از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را در روند ناهنجاری‌های رفتاری جوانان دانش‌آموز در مدرسه و بیرون از آن توصیف و تبیین کنیم.

مرور منابع

دانشمندان اجتماعی و علمای دینی در ایران‌زمین از دیرباز به آموزش و پرورش جوانان توجه داشته‌اند. کتاب‌ها و رساله‌های زیادی در این زمینه چاپ و منتشر شده است: **کیمیای سعادت** امام محمدغزالی، **سیاستنامه** خواجه نظام‌الملک، **اخلاق ناصری** خواجه نصیرالدین طوسی، **گلستان سعدی** و **مثنوی معنوی** مولانا جلال‌الدین رومی و بسیاری متفکران دیگر. خواجه نصیر نفس انسان را آمیخته‌ای از نیروهای سه‌گانه خرد، غضب و شهوت می‌داند و معتقد است تعادل و توازن این نیروها موجب تعادل رفتار و عدم تعادل میان آن‌ها سبب انواع کج‌رفتاری‌هاست (احمد اشرف، ۱۳۵۵: ۱۱۷-۱۱۴). سعدی نیز سرشت آدمی را اساس رفتار آدمی می‌داند، در عین حال از تأثیر تربیت در رفتار آدمی غافل نبوده است.

مرتضی مطهری نیز بین تربیت و فطرت تفاوت قایل است و می‌گوید تربیت عبارت است از پرورش دادن یا به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی. از نظر او، تربیت تابع فطرت و طبیعت هر شیء است. او نقش اصلی تربیت را رشد دادن شخصیت فکری و عقلانی و افزایش قدرت تحلیل افراد جامعه در قبال مسائل مختلف جامعه می‌داند و برای آموختن هیچ حد مشخصی قایل نیست. (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۴۹).

چنانچه از مطالب بالا برمی‌آید، متفکران اجتماعی ایران برای نقش تربیت و رشد قوای ملکی در انسان اهمیت بسیار قایل‌اند، هر چند مطهری در جای دیگر برای ساختن آینده انسان محدودیت‌هایی قایل است. او وراثت، محیط طبیعی و محیط اجتماعی را از جمله این محدودیت‌ها دانسته است (مطهری، بدون سال انتشار: ۲۷). بنابراین، می‌توان گفت که تربیت با محدودیت‌هایی مواجه است که کمتر اندیشمندی مانند مطهری بدان توجه کرده است.

بررسی‌های روان‌شناسان، بعد از جنگ اول جهانی، همراه با انتشار نظریه‌های زیگموند فروید درباره تفاوت‌های فردی ادامه پیدا کرد. عده‌ای دیگر به مقایسه توزیع الگوهای رفتار نابهنجار در میان جوامع مختلف دست زدند. بررسی‌های روان‌شناسان به تدریج بر فرایند رشد از کودکی تا بزرگسالی متمرکز شد و معلوم شد که سلامت جسم و روان اساس درست رفتاری و اختلالات روانی-اجتماعی اساس ناهنجاری‌های رفتاری است (راتر و اسمیت، ۱۹۹۵: ۷۶۹). مطالعات مایکل راتر و دیوید اسمیت نشان می‌دهد که اختلالات روانی-اجتماعی در دوران بلوغ افزایش می‌یابد و اوج آن در سن ۱۷ سالگی است. این روند بعد از سن ۱۷ سالگی کاهش می‌یابد و در ۳۰ سالگی به شدت پایین می‌آید.

راتر و اسمیت نسبت جرایم پسران به دختران را، براساس گزارش‌های رسمی، هشت به یک ذکر کرده‌اند، ولی مطالعات اجتماعی درباره جرایم پسران و دختران این رقم را سه به یک نشان داده است. علت این اختلاف آن است که در بررسی‌های اجتماعی جرایم ملایم را هم در نظر گرفته‌اند. نتایج کلی این‌گونه مطالعات حاکی از آن است که منحنی روند جرم در میان زنان و مردان شکل مشابهی دارد و در دوره سنی خاصی بالا می‌رود.

هر چند اختلالات روحی در دوران بلوغ بیشتر است، دلایل افزایش آن چندان روشن بیان نشده است. آهنگ افزایش اختلالات مختلف نیز یکسان نیست. عبور از دوران بلوغ و ورود به زندگی بزرگسالی با دسته‌ای تغییرات در این دوره سنی همراه است، مانند تغییرات دوران بلوغ، آغاز روابط با جنس مخالف، میل به استقلال از والدین، خروج از مدرسه، شروع به کار در جامعه و تشکیل خانواده. به نظر این دو نویسنده، تغییرات عظیم دوران بلوغ بسیار تنش‌زاست و ممکن

است بسیاری از اختلالات روانی-اجتماعی را سبب شود. از آنجا که ناهنجاری‌های رفتاری پس از دوران بلوغ ادامه می‌یابد، این نوع تبیین‌ها تبیین جامعی از افزایش ناهنجاری‌های رفتاری در این دوره سنی نیست و با آن‌ها نمی‌توان افزایش انواع خاصی از ناهنجاری‌های رفتاری را در سنین بالاتر توضیح داد.

دسته دیگری از اندیشمندان اجتماعی جامعه‌شناسان و جرم‌شناسانند که رفتار ناهنجار را، مانند سایر رفتارهای آدمی، حاصل شرایط اجتماعی-اقتصادی می‌دانند، به این معنی که وقتی فرد در موقعیت‌های محیطی، خانوادگی و اجتماعی و حتی شناختی خاص قرار می‌گیرد، ناچار می‌شود به این موقعیت‌ها واکنش نشان دهد. این دسته از دانشمندان، بی‌آنکه سهم عوامل فردی، شخصیتی یا روانی را نادیده بگیرند، به عواملی توجه می‌کنند که خارج از حوزه اختیار فرد است و افراد ناچارند در برابر آن‌ها برای بقای خود به رفتارهای انطباقی خاص دست بزنند. در نتیجه، رفتارهای ناهنجار از خود بروز می‌دهند.

با ورود به قرن بیستم، جاذبه نظریه‌های فردی جرم کاهش یافت و به جرم بیشتر از دیدگاه روان‌شناختی و به خصوص جامعه‌شناختی نگریسته شد. روان‌شناسان، برای مقابله با جرم، به روش‌های جدید مانند مشاوره روی آوردند. بازپروری مجرمان و آزادی مشروط زندانیان زیر نظر مددکاران و نمایندگان قوه قضایی و انتظامی به تدریج در کانون توجه قرار گرفت. نظریه آنومی مرتون در سال ۱۹۳۸ انتشار یافت. مرتون فاصله میان اهداف فرهنگی و راه‌های نهادی شده برای نیل به اهداف را زیربنای افزایش آمار جرم می‌داند. به دنبال او، ادوین (ساترلند، ۱۹۴۹) سازمان اجتماعی و روابط حاکم بر آن را ریشه جرم معرفی کرد. او در مقابل کسانی که جرم را پدیده‌ای فردی یا روانی می‌دیدند ایستاد و اثر سازمان اجتماعی حرفه‌ای بازرگانان را با عنوان «جرایم سفیدها» بررسی کرد و اثر آن را در رفتار بازرگانان نشان داد (بایسیس، ۱۹۹۱: ۱۶۷).

رابرت اگنیو ناکامی در ارتقای اجتماعی مرتون را نوعی فشار ساختاری می‌داند، ولی تنش‌های روانی را محدود به ناکامی در ارتقای اجتماعی نمی‌داند و می‌گوید افراد انسانی غیر از ناکامی در ارتقای اجتماعی زیر فشار موقعیت‌های منفی دیگری نیز قرار می‌گیرند که برای مقابله با آن‌ها ناچار از قبول رفتار مجرمانه‌اند (لی، ۱۹۹۵: ۶۶).

سؤالی که برای نظریه‌پردازان نظارت اجتماعی مطرح می‌شود این است که آیا تبعیت از هنجارهای اجتماعی امری طبیعی و بدیهی است؟ به نظر آنان، بسیاری از رفتارهای آدمی، نظیر مؤدبانه سخن گفتن، اطاعت از قوانین رانندگی، دفع مواد زاید بدن در جای مخصوص، چندان آسان به دست نیامده است. شواهد نشان می‌دهد که والدین، مربیان و افراد دیگر، برای درونی

کردن این شیوه‌های رفتار تلاش‌های خستگی‌ناپذیری انجام داده‌اند. به نظر آنان، آدمیان، بدون نظارت‌های اجتماعی، خودبه‌خود، از نظام ارزشی و هنجارهای اجتماعی تبعیت نمی‌کنند. نظریه نظارت تضعیف نظارت اجتماعی را حاصل نابسامانی اجتماعی می‌داند و، به همین دلیل، عوامل نظارت درونی و بیرونی رفتار را بررسی می‌کند.

از جمله پیشگامان این نظریه، می‌توان به آلبرت رایس، ایوان نای، والتر رکلس و تراویس هیرشی اشاره کرد (هگن، ۱۹۸۵: ۱۶۴). از نظر هیرشی، افراد از لحاظ درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به میزان پیوستگی افراد با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه‌ای وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوند، از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. اعتقادات فرد با پیوند فرد به والدین آغاز می‌شود و از طریق پیوند با مدرسه و جامعه افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بین میزان پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت قوانین جامعه رابطه‌ای وجود دارد و این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.

در دهه ۱۹۹۰، فردسون و هیرشی نظریه نظارت را از نو تدوین کردند و اهمیت خاصی برای نظارت‌های درونی قایل شدند. تفاوت در نظارت‌های درونی بر پاسخ فرد به محرک‌های خارجی تأثیر می‌گذارد. آن‌ها به دسته‌ای عوامل موقعیتی که می‌توانند حافظ درست‌رفتاری باشند، اشاره می‌کنند و می‌گویند توفیق در مدرسه، داشتن شغل پایدار، توفیق در زندگی و روابط صمیمانه با دیگران در حفظ و تقویت رفتارهای موافق هنجارهای اجتماعی تأثیر دارد. متقابلاً، وجود نظارت بر فرد برای توفیق در مدرسه، کسب شغل پایدار و روابط صمیمانه با دیگران ضروری است. البته این نظریه درباره همه رفتارهای انحرافی و در همه طبقات صدق نمی‌کند و آزمایش آن در تحقیقات تجربی و میدانی ضروری به نظر می‌رسد (لی، ۱۹۹۵: ۴-۱۰۱).

چارچوب مفهومی پژوهش

نظریه‌های نظارت اجتماعی به طور کلی از نظریه نظم اجتماعی دورکیم تأثیر پذیرفته‌اند و به عوامل خاص اجتماعی، که برای حفظ نظم در جامعه اهمیت دارند، توجه کرده‌اند. این نظریه‌ها بر فرایند اجتماعی کردن بیش از مجازات در برقراری نظم در جامعه تأکید دارند و برای توضیح و تبیین برخی جرایم، مانند جرایم سازمان یافته، جرایم یقه سفیدها (کارکنان اداری) و جرایم حرفه‌ای سودمندی کمتری دارند. ولی در مورد جرایم جوانان و عرضه پیشنهاد‌های عملی برای

پیشگیری سودمندی بیشتری دارند. به همین دلیل، در بخش نظری مطالب بیشتری بدان اختصاص یافته است. نظریه‌های نظارت، همان‌طور که در متن آن‌ها آمده است، بیشتر بر جرایم جوانان متمرکز شده است و سؤال مهمی که برای محققان مطرح شده این است که چرا در مناطق جرم‌خیز همه جوانان به جرم دست نمی‌زنند. اغلب پژوهشگران نظریه نظارت به دو دسته عوامل نظارت بر رفتار دست یافته‌اند که با عنوان عوامل نظارت بیرونی یا اجتماعی و عوامل نظارت درونی یا شخصی از آن‌ها نام می‌برند.

حاصل مطالعات والتر رکلس نشان داد که رشد دسته‌ای از حفاظ‌های درونی ممکن است همچون عوامل بازدارنده عمل کند. رکلس بر هدف‌جویی یا هدف داشتن و هیرشی بر انتخاب هدف‌های واقعی و سرمایه‌گذاری در آن‌ها در مقام عوامل شخصی نظارت اشاره کرده‌اند (هگن، ۱۹۸۵: ۱۶۴).

والتر رکلس همچنین به «تصویر از خود»^۱ و برخی عوامل دیگر با عنوان عوامل بازدارنده رفتار ناهنجار اشاره دارد که از میان آن‌ها برخی برای آزمون در این مطالعه برگزیده شدند. از میان عوامل فردی که گات فردسون و هیرشی بر آن‌ها تأکید کرده‌اند، «تسلط بر خود»^۲ انتخاب شده است. در نظریه‌های نظارت، خانواده و سپس مدرسه را بیش از همه عامل نظارت به‌شمار می‌آورند و معتقدند که در فرایند اجتماعی کردن جوانان خانواده و همسالان اهمیت خاصی دارد. به تدریج که جوانان مستقل می‌شوند، از تأثیر گروه همسالان و خانواده کاسته می‌شود و ویژگی‌های درونی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با توجه به اهمیت خانواده در فرایند اجتماعی کردن جوانان، دسته‌ای از متغیرهای مهم مربوط به خانواده متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند که کفایت مادی خانواده، مکان سکونت، شغل و سال‌های اقامت والدین در منطقه از جمله آن‌ها می‌باشند.

والتر رکلس، هیرشی، نای و رایس، هر کدام به بخشی از عوامل بیرونی یا اجتماعی مؤثر در نظارت بر رفتار اشاره کرده‌اند. در این بخش آنچه به نظارت خانواده مربوط می‌شود آمده است. وضعیت مدرسه از لحاظ نظم و نظارت بر رفتار دانش‌آموزان نیز از عوامل بیرونی دانسته شده است.

فرضیه‌های اصلی پژوهش

الف) با فرض ثابت نگه داشتن سایر عوامل (نظارت) میزان ناهنجاری‌های رفتاری پسران بیشتر از دختران است.

1. self-concept

2. self-control

- ب) هر چه میزان افت تحصیلی دانش‌آموزان بیشتر، میزان نابهنجاری‌های رفتاری آنان نیز بیشتر.
- پ) هر چه طول مدت اقامت والدین دانش‌آموزان در شهر بیشتر میزان نابهنجاری‌های رفتاری هم در بین آنان بیشتر.
- ت) میزان نابهنجاری‌های رفتاری در بین دانش‌آموزانی که پدران آنان بیکارند بیشتر از دانش‌آموزانی است که پدرانشان شاغل‌اند.
- ث) میزان نابهنجاری‌های رفتاری در بین دانش‌آموزانی که از درآمد مکفی خانواده پنداشت مثبت‌تری دارند کمتر است.
- ج) هر چه میزان پیوستگی دانش‌آموزان با مادران خود بیشتر، میزان نابهنجاری‌های رفتاری هم در بین آنان کمتر.
- چ) میزان نابهنجاری‌های رفتاری در بین دانش‌آموزانی که از خود به عنوان دانش‌آموزان موفق پنداشت ضعیف‌تری دارند کمتر است تا آنان که خود را در زمره دانش‌آموزان موفق نمی‌دانند.
- میزان نابهنجاری‌های رفتاری در بین دانش‌آموزانی که از خود به عنوان دانش‌آموز موفق پنداشت ضعیف‌تری دارند، نسبت به کسانی که خود را در زمره دانش‌آموزان موفق می‌دانند بیشتر است.
- ح) هر چه میزان پنداشت از خود دانش‌آموز مثبت‌تر، میزان نابهنجاری‌های رفتاری هم در بین آنان کمتر.
- خ) میزان نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزانی که از وضعیت مدرسه خود پنداشت مثبت‌تری دارند کمتر است.

روش‌شناسی پژوهش

در این بخش ابتدا متغیرهای وابسته و اصلی‌ترین متغیرهای مستقل را تعریف می‌کنیم. سپس جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه، روش تحقیق و فنون گردآوری و تحلیل داده‌ها، را تعریف و تعیین خواهیم کرد.

متغیرهای وابسته

نابهنجاری‌های رفتاری: منظور از «هنجارهای رفتاری» دانش‌آموزان مجموعه قواعد رفتاری در محیط مدرسه و بیرون از مدرسه است که دانش‌آموزان ملزم به رعایت آن‌ها هستند و رعایت نکردن آن‌ها با عکس‌العمل نمایندگان نظارت اجتماعی مواجه می‌شود. منظور از نمایندگان

نظارت اجتماعی مسئولان مدرسه، اولیای دانش‌آموزان و نیروهای انتظامی و قضایی در بیرون مدرسه است. برای مطالعه دقیق‌تر رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان، رفتارهای ناهنجار آنان در مدرسه و بیرون از مدرسه تفکیک و برای هر کدام شاخص‌های عینی تعیین شد.

ناهنجاری‌های رفتاری در مدرسه: برای اندازه‌گیری رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان در مدرسه، از پنج متغیر به شرح زیر استفاده شد:

۱. غیبت غیر موجه از کلاس، ۲. سرزنش معلم، ۳. گرفتن اخطار کتبی و یا شفاهی، ۴. محرومیت از شرکت در کلاس، ۵. عوض کردن مدرسه به دلایل انضباطی.

برای تقسیم‌بندی دانش‌آموزان از نظر میزان ناهنجاری در مدرسه، از میانگین ارزش‌های کمی به پاسخ‌ها استفاده شد. میانگین رفتار ناهنجار در مدرسه، $1/29$ به دست آمد. دانش‌آموزانی که زیر میانگین قرار گرفتند با عنوان کم ناهنجار و آن‌هایی که بالاتر از میانگین بودند، با عنوان زیاد ناهنجار تقسیم‌بندی شدند (جدول شماره ۱).

ناهنجاری‌های رفتاری در بیرون مدرسه: برای اندازه‌گیری رفتارهای ناهنجار دانش‌آموزان در بیرون از مدرسه از پرسش‌های زیر استفاده شد:

در طول سال تحصیلی جاری، چند بار اتفاقات زیر برای شما پیش آمده است؟

۱. ورود به اتوبوس، سینما، پارک بازی و مانند آن، بدون خرید بلیط و بدون اجازه مسئولان،
۲. نزاع با دیگران با هدف ایراد صدمه و زیان،
۳. توسل به زور و تهدید برای کسب نظر موافق دیگران (اعضای خانواده و دوستان)،
۴. توسل به زور و تهدید برای کسب کالا یا چیزی،
۵. غیبت از خانه بدون اطلاع والدین یا سرپرست خود،
۶. فریب دادن دیگران به هنگام خرید یا فروش کالا یا چیزی دیگر،
۷. استفاده از دوچرخه، موتور یا وسیله نقلیه دیگران، بدون اجازه.

در اینجا نیز برای تقسیم‌بندی دانش‌آموزان از نظر میزان ناهنجاری در بیرون مدرسه از میانگین ارزش‌های کمی به پاسخ‌ها استفاده شد. میانگین رفتار ناهنجار در بیرون مدرسه $1/22$ است. دانش‌آموزانی که زیر میانگین قرار گرفتند با عنوان کم ناهنجار و آن‌هایی که بالاتر از میانگین قرار گرفته بودند، با عنوان زیاد ناهنجار تقسیم‌بندی شدند (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۱)

توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب میزان نابهنجاری در مدرسه

میزان نابهنجاری در مدرسه	تعداد	درصد ناخالص	درصد خالص
کم	۶۶۳	۶۷/۹	۷۰/۳
زیاد	۲۸۰	۲۸/۷	۲۹/۷
بی‌جواب	۳۳	۳/۴	—
جمع کل	۹۷۶	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۱/۲۹	میانه	۱

جدول شماره (۲)

توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب نابهنجاری در بیرون مدرسه

میزان نابهنجاری در بیرون مدرسه	تعداد	درصد ناخالص	درصد خالص
کم	۷۲۹	۷۴/۷	۷۷/۲
زیاد	۲۱۵	۲۲	۲۲/۸
بی‌جواب	۳۲	۳/۳	—
جمع کل	۹۷۶	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۱/۲۲	میانه	۱

متغیرهای مستقل

دانش‌آموزان مورد مطالعه از شهرهای خرم‌آباد، بروجرد و نورآباد هستند. از میان مدارس دخترانه و پسرانه شهرهای مذکور، دانش‌آموزان دختر و پسر، به نسبت تقریباً مساوی، مطالعه شدند.

رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان سه رشته علوم ریاضی، علوم تجربی و علوم انسانی را در بر می‌گیرد. مدارس پیش‌دانشگاهی و مدارس فنی و حرفه‌ای در این مطالعه وارد نشده‌اند. وضعیت تحصیلی از جمله ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان است. منظور از وضعیت تحصیلی، میانگین معدل درسی دانش‌آموز در دو نیم‌سال آخر است. میانگین دو نیم‌سال

تحصیلی در پنج سطح کمتر از ۱۰، بین ۱۰ تا ۱۱، بین ۱۴ تا ۱۶ و بالاتر از ۱۷ تقسیم‌بندی شد.

سال‌های اقامت پدر در شهر به دو گزینه کمتر از ده سال و بیشتر از ده سال تقسیم شد. و شغل والدین پس از استخراج به مقولات زیر تفکیک شد: بازنشسته، بیکار، کشاورز، خدماتی جزء، خدماتی، کسبه، فنی، نظامی، اداری و علمی-تخصصی.

پنداشت دانش‌آموز از کفایت درآمد خانواده به صورت بلی و خیر سؤال شده است.

پنداشت دانش‌آموز از پدر یا مادر از طریق سؤالات زیر اندازه‌گیری شده است:

میزان کنار آمدن فرزند با مادر، اعتماد فرزند به مادر، لذت از وجود مادر، غیرقابل تحمل بودن مادر، افتخار به مادر، عدم درک فرزند توسط مادر، انتظار بیش از حد مادر از فرزند، مداخله بی‌جای مادر، عصبانیت از مادر، خصومت با مادر.

پنداشت از خود طبق تعریف موريس روزنبرگ احترامی است که فرد برای خود قایل است و به صورت قبول خود، احترام به خود و احساس ارزشمندی توصیف می‌شود (یانگ و ثرن‌برگ، ۱۹۹۸: ۵۸۷). این مفهوم از این طریق که دانش‌آموز چقدر خود را موفق احساس می‌کند و چقدر چیزی قابل افتخار در خود می‌بیند اندازه‌گیری شده است.

وضعیت مدرسه از طریق رضایت دانش‌آموز از تدریس معلمان، تلاش معلمان در کلاس، وجود نظم در مدرسه، عکس‌العمل مدرسه به غیبت‌های ساعتی و روزانه دانش‌آموزان و چگونگی سهولت ایستادگی دانش‌آموزان در مقابل معلمان اندازه‌گیری شده است.

روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان دبیرستان‌های استان لرستان تشکیل می‌دهند. برای انتخاب نمونه، ابتدا با مراجعه به سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۷۵، براساس برخی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، سه شهر خرم‌آباد، بروجرد و نورآباد انتخاب شدند. گروه‌های مهم شغلی، افراد شاغل جمعیت ده ساله و بالاتر و میانگین تعداد اعضای خانوار، درصد باسوادان جمعیت شش ساله و بالاتر و نسبت دانش‌آموز به معلم از جمله شاخص‌های مذکور بودند. براساس شاخص‌های مذکور، بروجرد در مرتبه بالاتر و نورآباد در مرتبه پایین‌تر و خرم‌آباد، به استثنای یک شاخص (تعداد متخصصان)، در میانه قرار گرفت (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵؛ استانداری لرستان، ۱۳۷۰).

در مرحله بعد، از میان دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسط در سه شهر مذکور، ۹۷۶

دانش‌آموز برای نمونه‌گزیده شدند. بر این اساس، شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است.

نمونه مذکور، متناسب با شهرستان، دبیرستان، جنس و رشته‌های تحصیلی، بین دانش‌آموزان پایه سوم توزیع شد. البته، بعد از آزمون مقدماتی پرسشنامه در پایه‌های اول و دوم و سوم، دانش‌آموزان پایه سوم مناسب‌ترین گروه برای پاسخ به سؤالات شناخته شدند.

نوع تحقیق پیمایشی و فن اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. در تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی و تحلیل‌های چند متغیری استفاده شده است.

توصیف و تبیین یافته‌ها

دانش‌آموزان مورد مطالعه بیشتر از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه در رشته‌های علوم ریاضی، علوم تجربی و علوم انسانی‌اند که، براساس طبقه‌بندی خوشه‌ای، به نسبت تقریباً مساوی جنس و دبیرستان در شهرهای خرم‌آباد، بروجرد و نورآباد انتخاب شدند. معدل تحصیلی تقریباً ۸۷ درصد دانش‌آموزان زیر ۱۴ است. میزان مطالعه نیمی از دانش‌آموزان در طول روزهای هفته بیشتر از دو ساعت و مابقی کمتر از دو ساعت است. میزان مطالعه دانش‌آموزان در طول هفته بسیار اندک است.

محل تولد ۷۳ درصد پدران دانش‌آموزان استان لرستان است و بیش از ۱۰ سال در شهرهای خود سکونت داشته‌اند. سواد اکثر پدران و مادران در حد ابتدایی و کمتر از آن است.

بیشتر مادران خانه‌دارند و اکثر پدران به مشاغل خدماتی و خدماتی جزء اشتغال دارند. مشاغل تخصصی و علمی بسیار اندک است. این وضعیت در آمار سرشماری عمومی ۱۳۷۵ و همچنین در مطالعه اجتماعی و فرهنگی استانداری لرستان به نحو مشابهی مشاهده می‌شود.

میزان سواد والدین و سطح مشاغل پدران، به‌خوبی نشان می‌دهد که همراه با رشد جمعیت شهرنشین، نیاز به مشاغل خدماتی، اداری و نظامی بیشتر شده است، ولی مشاغل فنی، علمی و تخصصی که ابزار توسعه است، چندان گسترش نیافته است.

در پاسخ به وضعیت کفایت درآمد خانواده، نزدیک به چهل درصد دانش‌آموزان درآمد خانواده خود را برای تأمین مخارج کافی نمی‌دانند. همین امر، احتمالاً، بر وضعیت تحصیلی و میزان مطالعه دانش‌آموزان در خانه نیز تأثیر می‌گذارد.

دانش‌آموزان، در کل، با مادران خود روابط مطلوبی دارند. تنها مورد گفتنی این‌که نیمی از جوانان دانش‌آموز میزان درک مادر را از خود ضعیف گزارش کرده‌اند. ادامه این روند و ایجاد ارتباط متقابل بین آن‌ها آموزش و آگاه‌سازی مادران و پدران را ضروری می‌سازد. نزدیک به چهل درصد از دانش‌آموزان هیچ صفتی که بدان افتخار کنند در خود نمی‌بینند. اکثریت دانش‌آموزان خود را در زندگی موفق احساس نمی‌کنند. این اطلاعات نشان می‌دهد که نوع برنامه‌های آموزشی، نظام آموزشی و سطح کارآمدی مدیران و معلمان باید تا حدود زیادی متحول شود. هدف از این تغییرات باید پرورش جوانانی کارآمد و امیدوار باشد. همان‌طور که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد:

جدول شماره (۳)

توزیع دانش‌آموزان بر حسب میزان ناهنجاری رفتاری در بیرون از مدرسه و میزان ناهنجاری رفتاری در مدرسه

جمع	زیاد	کم	میزان ناهنجاری در بیرون مدرسه	جمع	زیاد	کم	میزان ناهنجاری در مدرسه
			میزان ناهنجاری در مدرسه				میزان ناهنجاری در بیرون مدرسه
۶۴۶	۸۶	۵۶۰	کم	۷۱۴	۱۵۴	۵۶۰	کم
۷۰/۱	۴۱/۳	۷۸/۴		۷۷/۴	۵۵/۸	۸۶/۷	
۲۷۶	۱۲۲	۱۵۴	زیاد	۲۰۸	۱۲۲	۸۶	زیاد
۲۹/۹	۵۸/۷	۲۱/۶		۲۲/۶	۴۴/۲	۱۳/۳	
۹۲۲	۲۰۸	۷۱۴	جمع	۹۲۲	۲۷۶	۶۴۶	جمع
۱۰۰	۲۲/۶	۷۷/۴		۱۰۰	۲۹/۹	۷۰/۱	

$$\text{sig} = ۰/۰۰ \quad t_b = ۰/۳۳۸ \quad G = ۰/۶۷۵ \quad \text{sig} = ۰/۰۰۰ \quad t_b = ۰/۳۳۸ \quad G = ۰/۶۷۵$$

میزان ناهنجاری رفتاری در ۳۰ درصد دانش‌آموزان بالاتر از میانگین است. بیشترین میزان ناهنجاری‌های آنان غیبت غیرمجاز از مدرسه که در مرتبه اول است و محرومیت از کلاس در مرتبه دوم، اختطار کتبی و شفاهی از طرف مدرسه در مرتبه سوم و عوض کردن مدرسه به دلایل انضباطی است که کمترین میزان را دارد.

میزان نابهنجاری رفتاری ۲۳ درصد دانش‌آموزان در خارج از مدرسه بالاتر از میانگین است. و بیش از همه شامل توسل به زور برای کسب نظر موافق اعضای خانواده یا دوستان است و در مراتب بعدی غیبت غیرمجاز از خانه، درگیری با دیگران به قصد وارد کردن صدمه و زیان و وارد کردن خسارت به اموال دیگران است و کمتر از همه استفاده غیرمجاز از وسیله نقلیه دیگران است.

در تحلیل رابطه میزان نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان با عوامل مورد توجه در پژوهش براساس خلاصه اطلاعات آماری مندرج در جدول شماره (۴) می‌توان گفت:

جدول شماره (۴)

نتایج آزمون‌های آماری مربوط به رابطه نابهنجاری رفتاری دانش‌آموزان با متغیرهای مستقل مورد توجه در فرضیه‌ها

آزمون‌های آماری (متغیرهای در سطح تریبی)										متغیرهای مستقل
G		sig		Tb		tc		x ²		
بیرون مدرسه	در مدرسه	بیرون مدرسه	در مدرسه	بیرون مدرسه	در مدرسه	بیرون مدرسه	در مدرسه	بیرون مدرسه	در مدرسه	
-۰/۴۰۴	-۰/۴۰۴					۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۴۴/۹۶	۴۴/۹۶	معدل
-۰/۴۲	-۰/۲۶۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	-	-۰/۱۷۲	-۰/۱۲۹	-	-	میزان پیوند با مادر
-۰/۲۰۳	-۰/۲۵	۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۰۱	-	-	-۰/۰۷۶	-۰/۱۱۲	-	-	پنداشت از خود
۰/۲۸۹	-	۰/۰۴۸	-	۰/۱۱۵	-	-	-	-	-	سال‌های اقامت پدر در شهر
-۰/۲۲۹	-۰/۳۹۲	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۱۲۹	-۰/۱۸۸	-	-	-	-	میزان رضایت از مدرسه
۰/۲۴۲	-	۰/۰۰۲	-	-	-	۰/۰۹۹	-	-	-	پنداشت از خود به عنوان دانش‌آموز موفق
۰/۴۵۵	۰/۴۶	۰/۱۲	۰/۰۰	-	-	-	-	۳۶/۵۷	۴۶/۲۲	جنیست
۰/۷۱	-	-	۰/۰۳	-	-	-	-	۱۸/۴	-	شغل پدر
۰/۱۹۶	-	-	۰/۰۱	-	-	-	-	۵/۹۲	-	پنداشت از درآمد خانواده

تفاوت میان دختران و پسران و میزان ناهنجاری‌های رفتاری آنان، چه در مدرسه و چه در بیرون مدرسه، به لحاظ آماری معنی‌دار است. مطالعه محقق درباره وضعیت اشتغال دختران هنرستانی نشان داد که انتظارات والدین از دختران متفاوت با پسران است، به طوری که دخترانی که در رشته‌های فنی فارغ‌التحصیل شده‌اند، به محض اقدام به ازدواج، غالباً رابطه خود را با اشتغال قطع می‌کنند (سناوت، ۱۳۷۶: ۴۶-۴۲). این وضعیت در

مورد پسران متفاوت است. آینده پسران با اشتغال گره خورده است و اگر تحصیل با توجه به هزینه‌ها و قبول تأخیر در لذات دوران رشد نتواند پاسخگوی انتظارات پسران باشد، این احتمال بیشتر است که از قبول هنجارهای رفتاری در مدرسه و بیرون از مدرسه سر باز زنند. تفاوت بین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان با میزان ناهنجاری‌های رفتاری آنان در مدرسه و بیرون از مدرسه به لحاظ آماری معنی‌دار است. هر چه معدل دانش‌آموز بالاتر باشد و در مدرسه و خانه موقعیت بهتری کسب می‌کند، بین تحصیل و امید به اشتغال رابطه نزدیک‌تری احساس می‌کند. بنابراین، میل دانش‌آموزان برتر به لحاظ معدل به رعایت هنجارهای مدرسه و بیرون از مدرسه بیشتر می‌شود.

دانش‌آموزانی که پدرانشان سال‌های بیشتری در شهر اقامت داشته‌اند تمایل کمتری در ابراز ناهنجاری‌های رفتاری خارج از مدرسه از خود نشان می‌دهند. این رابطه در مورد ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه تأیید نشده است.

فرضیه مربوط به رابطه شغل با میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه تأیید شد. دانش‌آموزانی که شغل والدینشان بیکار و یا بازنشسته است بیشترین و فرزندان و پدران مشاغل علمی-تخصصی کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

پنداشت دانش‌آموز از کفایت درآمد خانواده با میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموز در خارج از مدرسه رابطه‌ای معنی‌دار نشان می‌دهد، ولی این رابطه در مورد ناهنجاری‌های رفتاری در مدرسه معنی‌دار نیست. این بدان معنی است که ناکافی بودن درآمد خانواده در بروز ناهنجاری‌های رفتاری خارج از مدرسه تأثیر دارد.

این تفاوت ممکن است ناشی از این باشد که محیط خارج از مدرسه به دلیل نبود نظارت‌های نظام خانه و مدرسه محل مناسب‌تری برای بروز رفتارهای ناهنجار این دسته از جوانان است. میزان پیوند دانش‌آموز با مادرش در کاهش ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه و بیرون از مدرسه تأثیر دارد. این رابطه یکی از فرضیه‌های مهم نظریه نظارت است که آزمون‌های آماری آن را معنی‌دار نشان می‌دهند.

فرضیه دیگر رابطه بین خود پنداره و میزان ناهنجاری‌های رفتاری است که در این مطالعه رابطه آن معنی‌دار است. هر چه خود پنداره دانش‌آموز مثبت‌تر باشد، میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان کمتر است.

فرضیه دیگر رابطه معکوس بین رضایت از نظم مدرسه و میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه و بیرون مدرسه است که به لحاظ آزمون‌های آماری معنی‌دار است.

یافته دیگر این پژوهش وجود رابطه معنی‌دار بین نابهنجاری‌های رفتاری در مدرسه و خارج از مدرسه است. این یافته نشان می‌دهد که عوامل مؤثر در نابهنجاری‌های رفتاری در مدرسه و خارج از مدرسه جدا از یکدیگر نیستند. همان‌طور که در جداول نهایی فرضیه‌های تأیید شده دیده می‌شود متغیرهای مستقل تأثیرگذار در نابهنجاری‌های رفتاری برای هر دو دسته رفتارهای نابهنجار در مدرسه و خارج از مدرسه تقریباً یکسان است. تنها در دو مورد ناکافی بودن درآمد خانواده و شغل پدر است که رابطه آن با میزان نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در بیرون از مدرسه معنی‌دار است (جدول شماره ۴).

نتایج تحقیق مؤید رابطه معنی‌دار نابهنجاری رفتاری دانش‌آموزان (متغیر وابسته) با متغیرهای مستقل مورد نظر در چارچوب نظری پژوهش است. برای نظارت همبستگی‌های فوق‌الذکر از تحلیل چند متغیری سود برده‌ایم. نتایج حاصل از تحلیل‌های چند متغیری به شرح زیر گزارش می‌شود:

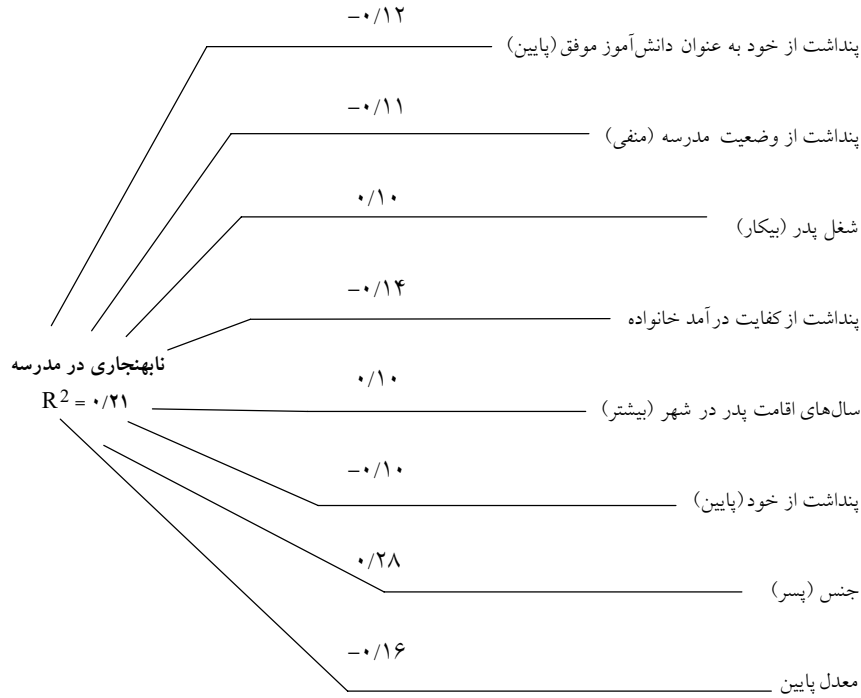
نابهنجاری‌های رفتاری در مدرسه ($R^2 = 0/21$)

متغیرهای مستقل	بتا (Beta)	Sig T
پنداشت از خود به عنوان دانش‌آموزان موفق	-0/12271	0/0295
پنداشت از وضعیت مدرسه	-0/11196	0/0354
شغل پدر	0/9614	0/0643
پنداشت از کفایت درآمد خانواده	-0/14317	0/0097
سال‌های اقامت پدر در شهر	-0/10129	-0/0560
پنداشت از خود	-0/09846	0/0791
جنسیت	0/27864	0/0000
معدل	-0/15604	0/0212

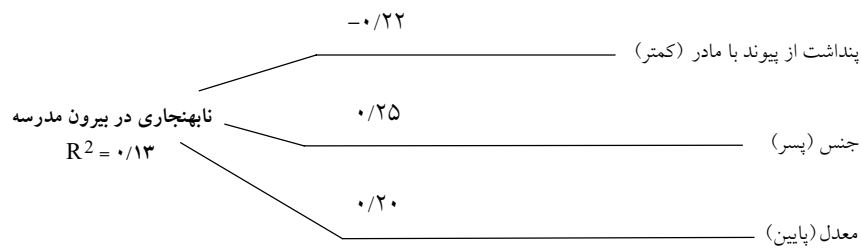
نابهنجاری‌های رفتاری در مدرسه ($R^2 = 0/13$)

متغیرهای وابسته	بتا (Beta)	Sig T
میزان پیوستگی دانش‌آموز با والدین	-0/21669	0/0002
جنس	0/25062	0/0002
معدل	0/19747	0/0062

مدل نظری ناهنجاری‌های رفتاری در مدرسه براساس یافته‌های پژوهش



مدل نظری ناهنجاری‌های رفتاری در بیرون مدرسه براساس یافته‌های پژوهش



یافته‌های پژوهش و بازنگری چارچوب نظری

عواملی که در نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان اثر بیشتری دارند وضعیت تحصیلی و جنسیت است. دانش‌آموزان پسر به نسبت بیشتری به رفتارهای نابهنجار دست می‌زنند. طبق نظریه نظارت، پیوستگی دختران با خانواده و مدرسه بیشتر است. به‌خصوص پیوستگی با مادر به لحاظ عاطفی، درونی شدن هنجارهای اجتماعی را قوت می‌بخشد. همانندی دختران با مادر نیز بر انتقال هنجارهای اجتماعی می‌افزاید.

یافته دیگر این پژوهش رابطه معنی‌دار معکوس بین وضعیت تحصیلی و رفتارهای نابهنجار است. گات فردسون و هیرشی به عوامل موقعیتی حافظ درست رفتاری اشاره می‌کنند که توفیق در مدرسه از جمله این موقعیت‌ها است که در این پژوهش تأیید شده است. توفیق در زندگی، داشتن روابط صمیمانه با دیگران و داشتن شغل پایدار از جمله دیگر موقعیت‌های حافظ درست رفتاری است که لازم است مورد توجه قرار گیرند.

دانش‌آموزانی که پدرانشان در سطوح شغلی نازلی قرار دارند (بازنشسته یا بیکار) و یا پدرانشان سال‌های کمتری در شهر اقامت داشته‌اند، در مقایسه با کسانی که پدرانشان دارای مشاغل علمی-تخصصی بوده‌اند و یا سال‌های بیشتر در شهر اقامت کرده‌اند به نسبت بیشتری دست به رفتارهای نابهنجار می‌زنند. این نظر مؤید نظریه رکلس است که می‌گوید داشتن موقعیت پایدار و معنی‌دار در جامعه از جمله حفاظ‌های خارجی رفتار نابهنجار است. به‌خصوص هنگامی که دانش‌آموز از میزان درآمد خانواده اظهار رضایت کرده است. این رابطه نیز در تحلیل عوامل معنی‌دار بوده است.

گات فردسون و هیرشی در دهه ۱۹۹۰ نظریه نظارت را دوباره قاعده‌بندی کرده‌اند و اهمیت خاصی برای نظارت‌های درونی قایل شدند. تفاوت در نظارت‌های درونی بر پاسخ فرد به محرک‌های خارجی تأثیر می‌گذارند. از جمله این عوامل پنداشت از خود مثبت به لحاظ احساس ارزشمندی و پنداشت از خود به عنوان یک دانش‌آموز موفق است که هر دوی آن‌ها رابطه معکوس با نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان نشان داده است. شکل‌گیری این پنداشت‌ها از دوران کودکی آغاز می‌شود و به شیوه‌های تربیتی والدین و مسئولان مدارس بستگی دارد.

فرضیه دیگر که مورد تأیید قرار گرفته است پنداشت دانش‌آموز از نظم مدرسه است که در نظریه نظارت به عنوان یک حفاظ خارجی بر درست رفتاری دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. به نظر والتر رکلس، احترام به هنجارها و دفاع از آن‌ها در محیط اجتماعی از پوسیدگی و سستی هنجارها جلوگیری می‌کند، مانع آن است که هنجارها فراموش شوند، احساس بیگانگی و سرانجام رها

شدن از نفوذ هنجارهای اجتماعی اتفاق بیفتد. در این نظریه، هیچ‌یک از عوامل درونی و بیرونی درست‌رفتاری به تنهایی کافی نیستند و این دو دسته عوامل در کنار یکدیگر می‌توانند میل به درست‌رفتاری را افزایش دهند.

در پایان، از خلال یافته‌ها به چارچوب‌های نظری رایج درباره ناهنجاری‌های رفتاری جوانان اشاره می‌کنیم. در دیدگاه اول، ناهنجاری رفتاری یک عمل خلاف اخلاق است که به انتخاب فرد انجام می‌گیرد. چنین فردی موجودی پلید و فاسد است. کمک به فرد ناهنجار کاری عبث و بیهوده است. مجازات او امری طبیعی است. قبول این دیدگاه نظری به معنای آن است که مطالعه درباره ماهیت جرم لازم نیست و راه مقابله با آن همان مجازات است.

اظهارنظرها نشان می‌دهد که دولت‌ها، براساس چنین دیدگاهی، نتوانسته‌اند بر ناهنجاری‌های رفتاری غلبه کنند. از جمله، عنوان درشت نشریه *نجات* از نگاه آمار چنین نشان می‌دهد که «آمارهای سال گذشته به‌روشنی گویای آن است که مبارزه قهرآمیز با مواد مخدر موفقیت‌آمیز نبوده است» (نجات، شماره ۱: ۲۴).

دیدگاه دوم که روان‌شناسان و روان‌پزشکان بیشتر بر آن تأکید دارند ناهنجاری رفتاری را نوعی اختلال شخصیتی در نظام روانی افراد می‌دانند. زمینه‌های ژنتیکی را در مورد این افراد مطالعه می‌کنند. به نظر آنان، این‌گونه افراد احساس مسئولیت نمی‌کنند و اختیار رفتار خود را ندارند. هر چند انجام چنین رفتارهایی برای آن‌ها رنج‌آور است. این دیدگاه آگاه ساختن فرد ناهنجار از وضع روانی خود و ارائه راه‌هایی برای بهبود آن را بخشی از درمان می‌شمارد. به گفته دنیس تامز (دی ال تامز، ۱۹۹۹) مفروضات این دیدگاه هنوز به‌طور کامل در آزمون‌های تجربی به اثبات نرسیده‌اند.

در دیدگاه سوم، ناهنجاری چیزی جدا از عوامل شکل‌دهنده به دیگر رفتارهای آدمی نیست. ناهنجاری مانند دیگر رفتارهای انسانی آموخته می‌شود. ناهنجاری مشکل رفتاری به‌شمار می‌آید. رفتار ناهنجار عکس‌العمل انطباقی فرد به شرایطی است که بر اثر مواجهه با موقعیت‌های محیطی، خانوادگی، اجتماعی و حتی شناختی پدید می‌آید. ناهنجاری رفتاری چیزی نیست که در اکثر مواقع آزادانه انتخاب شود، بلکه پاسخی است به موقعیت‌های اجتماعی که فرد نمی‌تواند پاسخگو باشد.

آنچه در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است دیدگاه سوم است. در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت که رفتارهای ناهنجار پدیده‌ای پیچیده و چند بُعدی است. در این پژوهش تلاش شده برخی از این عوامل شناخته شوند. ساخت اجتماعی و عناصر تشکیل‌دهنده ساخت در

طول زمان تغییر می‌کنند. بنابراین، لازم است که محققان و کارشناسان در طول زمان همواره عوامل جدیدی را که پدید می‌آیند مطالعه کنند.

پیشنهادها

- راهکارهای مبتنی بر نتایج این پژوهش را می‌توان از زوایای مختلف مطرح کرد:
- اولین مسئله که بر انگیزه دانش‌آموزان برای رعایت هنجارهای اجتماعی اثر می‌گذارد نبود رابطه‌ای موازی بین هنجار اجتماعی تحصیل و اشتغال در آینده است. شناخت نیازهای شغلی آینده در استان لرستان و استان‌های مجاور و برنامه‌ریزی برای آموزش نیروی انسانی مفید و کارآمد در رشته‌های مورد نیاز توسعه استان لرستان و استان‌های مجاور آن بسیار ضروری می‌نماید.
 - شکستن دایره محدود انتخاب رشته‌های تحصیلی برای جوانان، به طوری که دانش‌آموزان بتوانند با توجه به انگیزه و رغبت‌های شخصی خود به انتخاب دست بزنند، کاری مهم و پایه‌ای است.
 - برنامه‌ریزی، به منظور بالا بردن سطح درآمد خانواده‌ها، قدرت والدین را در خانواده افزایش می‌دهد و امکان اثرگذاری و هدایت فرزندان را بیشتر می‌کند. تأکید بر نهاد خانواده بی‌آنکه ابزار لازم برای اثرگذاری را داشته باشد سودمند نخواهد بود.
 - تحول در نظام آموزشی برنامه‌ها و رشته‌های درسی، بالا بردن سطح کیفیت آموزش و استفاده از مدیران و دبیران کارآمد و مجرب در پرورش کارایی جوانان و تقویت امید به اشتغال در آن‌ها بسیار مؤثر خواهد بود.
 - تلاش به منظور ایجاد محیطی مطلوب در مدرسه در جلب رضایت دانش‌آموزان و قبول هنجارهای اجتماعی اثر دارد. با این‌که دانش‌آموزان عکس‌العمل مدرسه به غیبت‌های روزانه و ساعتی و مقابله مدرسه با دانش‌آموزانی را که مقابل معلم می‌ایستند گزارش کرده‌اند، وضعیت مدرسه را مطلوب ارزیابی نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که وضعیت مطلوب محیط آموزشی محدود به بازبینی غیبت‌ها یا جلوگیری از برخورد دانش‌آموز با دبیران نمی‌شود و به عوامل دیگری باید توجه کرد.
 - شناخت دقیق نگرش فرزندان به والدین کار محققان جوان استان لرستان است.
 - برنامه‌ریزی برای افزایش اطلاعات والدین از خصوصیات دوران رشد و توجه به نیازهای مهم جوانان در این دوره به کاهش فاصله بین والدین و دانش‌آموزان کمک خواهد کرد.
 - آموزش خانواده‌ها به منظور ایجاد پیوند قوی‌تر بین والدین و فرزندان ضروری به نظر

می‌رسد، به‌خصوص با توجه به سطح سواد و شغل والدین، که نسبتاً پایین است. – معرفی مهارت‌های اجتماعی به اولیای دانش‌آموزان و تشویق جوانان به مشارکت در این برنامه‌ها همراه با آموزش مربیانی که بتوانند این مهارت‌ها را به دانش‌آموزان انتقال دهند. کارهای پژوهشی اهمیت این مهارت‌ها را نشان داده است که جوانان مجهز به مهارت‌های اجتماعی کمتر تمایل به مصرف مواد مخدر دارند و کمتر برای حل مشکلات خود از راه‌های ناهنجار استفاده می‌کنند. آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان در سال‌های آخر دبستان و دبیرستان و جوانان ورودی دانشگاه‌ها در پیش‌گیری از فشارها و کاهش بحران‌های آسیب‌زا سودمند است. – یافته دیگر این پژوهش این است که ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه و بیرون از مدرسه را نباید دو پدیده جدا از یکدیگر تصور کرد. برای کاهش ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان، لازم است به ریشه‌های مشترک آن توجه بیشتری شود.

منابع

انگلیسی

1. Ainsworth, Darnell, W. James & Downey, B. Douglas. (1998). "Assessing The Oppositional Culture Explanation for Racial-Ethnic Differences in School Performance", *American Sociological Review*, 63 (August; 236-553).
2. Bassis, Micheal et al, *Sociology*, 1993, McGraw-Hill Inc.
3. Hagen, John, *Modern Criminology*, McGraw Hill Inc.
4. Jang, J. Sung & P. Therence Tornbergy (1998). "Self Esteem, Dlinquent Peers, and Delinquency". *American Sociological Review*, 63 (August: 586-589).
5. Kuper, Adam & Jessica Kuper. 2001. *The Social Encyclopedia*, Second Edition, Routledge.
6. Lilly, Robert et al. 1955. Context and consequences, Sage Publication.
7. Mc Coy, C. B & Metsch, L. R & Inciardi J, A. editors. (1999). *Intervening with Drug-Involved Youth*, Sage Publication.
8. Rutter, Michael & David J. Smith. 1995. *Psychosocial Disorders in Young People*. John Wily & Sons.
9. Sutherland, E. H. Theory of Differential Association. 1949. *A Book of Readings*, John Wiley & Sons Inc. 1985.
10. Thomas, Dennis. L. (1999). *Introduction to addictive behaviors*, second edition, The Guilford Press.

فارسی

۱. استناداری لرستان، وزارت کشور (۱۳۷۰)، *مطالعه اجتماعی فرهنگی لرستان*، جلد سوم، بخش اول

- وضعیت اجتماعی، چاپ اول.
۲. اشرف، احمد (۱۳۵۵)، *کثرت‌فشاری، مسائل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
۳. سخاوت، جعفر (۱۳۷۶)، *بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دختر هنرستان‌های تهران*، دانشگاه علامه طباطبائی (منتشر نشده).
۴. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، شهرستان خرم‌آباد، بروجرد، دلفان.
۵. مطهری، مرتضی؛ *انسان در قرآن*، تهران، انتشارات صدرا، بی‌تا.
۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، چاپ دهم، انتشارات الزهرا، چاپ دهم.
۷. نشریه تحلیلی-خبری نجات (۱۳۸۰)، *سناد مبارزه با موادمخدر*، شماره ۱ فروردین و اردیبهشت ماه.

* * *

جعفر سخاوت عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی است. از او کتاب‌هایی تحت عناوین *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، و دو کتاب *متون تخصصی زبان ۱ و ۲* به چاپ رسیده است. علایق پژوهشی ایشان در زمینه‌های جرم‌جویان و نابهنجاری‌ها و مسائل اجتماعی می‌باشد.

E-mail: drsekhat@yahoo.com